

- فتنه و استراتژی سکوت
- مغز های کوچک هشتک زده
- پادشاه فصل ها پاییز
- بانوی نور
- پیشنهاد هایی به نو دانشجویان
- مطالعه گری ، یک واجب دانشجویی



سال پانزدهم / دی ماه 1401 / شماره 99
دو هفته نامه دانشجویی ، فرهنگی ، تحلیلی تشکل جامعه اسلامی

سرمقاله

دانشجو موذن جامعه است اگر خواب بماند نماز امت قضا می شود

دانشجویی که آگاه به شرایط جامعه و اقتضائات زمان باشد، دانشجوی دغدغه‌مندی که آرمان و هدف اش رضای خدا و خدمت به خلق و آمال و آرزویش سرفرازی میهن اش باشد.

این دانشجوی آرمان خواه، عدالت طلب و مطالبه گر است. متاسفانه مشکلی که جنبش دانشجویی به آن دچار شده سطحی نگری به جای عمقی نگری و فراموش کردن آن آرمان های مقدس است

حرکت دانشجویی در طی سال های اخیر دچار تغییرات بسیاری شده است، دگرگونی هایی که اگرچه سبب شده جنبش دانشجویی جهت گیری های درست و غلطی داشته باشد ولی زنده ماندن آن را حفظ کرده است، آری صدای نفس نفس این پیکره هنوز به گوش می رسد...

جنبش دانشجویی مانند انسانی است که در تب و تاب تحولات سیاسی دچار زخم های زیادی شده، دردهایی که مرهم اش توجه مسئولین به مطالبات دانشجویی است، مطالباتی که گرچه در نگاه اول آرمانی به نظر می رسد ولی همین آرمان خواهی هاست که مانند نیروی محرکه ای به پیشرفت کشور کمک می کند. آرمان خواهی در کلام مقام معظم رهبری به عنوان اولویت اول قشر دانشجویی بیان می شود. اما فارغ از آرمان خواهی که لازمه ی حرکت دانشجویی است، شناخت صحیح مسائل و جهت گیری درست دانشجویان از اهمیت زیادی برخوردار است. بخشی از این جهت گیری ها به دانشجویان و بخش دیگر به اساتید و نخبگان جامعه بر می گردد.

مطالعه ی کم دانشجویان و به طبع آن بمباران اطلاعات درست و غلطی که در فضای مجازی بر سرشان میرزند عاملی شده که جهت گیری ها عموماً در مسیر غلطی قرار گیرد. لذا لازم است بار دیگر جنبش دانشجویی با نگاهی اصلاح شده و دیدی جامع نسبت به وقایع به اصلاح امور و تغییر شرایط جامعه بپردازد.

گویا لازم است هویت دانشجویی مجدد بازیابی شود تا آن تغییر ذائقه ای که در طی این چند سال رخ داده رفع شود.

به امید احیای مجدد هویت دانشجویی و حرکت خستگی ناپذیر جنبش دانشجویی در جریان پرتلاطم سیاسی و عبور از بحران ها و دست یافتن به آرمان های فراموش شده ...

فتنه و استراتژی سکوت

فهمی انتقادی از تحولات اخیر

حجت الاسلام مهدی کریمی

كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّيْمِ لَا ظَهْرَ فَيْرُكَبَ وَلَا ضَرْعَ فَيْخَلَبَ (حکمت ۲۱۶). اما واقعیت آن است که مقصود این روایت کمترین میزان تقابل با فتنه یعنی یاری نکردن به فتنه و هیزم بیشتر در آتش فتنه نریختن است و نه سکوت و مماشات تا آن که دشمن آنچه را می خواهد بدون مزاحمتی انجام دهد. استراتژی سکوت به اندازه‌ای خطرناک است که ممکن است به تسلیم کامل در مقابل دشمن یا شکست جامعه مسلمین و از همگسیختگی اجتماعی در سطحی وسیع منتهی شود و این اهل بصیرت‌اند که با شناخت دقیق شرایط پیش آمده و تحلیل صحیح و آگاهی بخشی این وظیفه مهم را به انجام رسانده و از گسترش فتنه و نابودی ارکان ثبات و امنیت جلوگیری می کنند.

حال نگاهی به کارنامه چند روز گذشته می اندازیم. در روزهای آغازین فتنه به پرچم مقدس کشورمان توهین شد. پرچمی که نماد هزاران سال تمدن، فرهنگ، دین و اعتقاد و باور قلبی است و حاصل خون هزاران هزار شهید گلگون کفن در طول تاریخ است. با این وجود صدایی از کسانی که انتظار می رفت به وقت نیاز نگاهبان عزت این پرچم مقدس باشند برنیامد. قرآن که محور اتحاد و رمز بقای اسلام و آخرین معجزه پیامبر رحمت است به آتش کشیده شد نه یکبار بلکه چندین بار اما صدایی از محافظان دین و چهره های شاخص دینی برنیامد. در شهرهای مختلف به تعدادی از نوامیس مردم تعرض شد اما باز صدایی از آنان که در شرایط عادی گلو پاره می کنند بلند نشد. استراتژی سکوت به معنای ندیدن همه این اتفاقات تلخ است. عدم دیدن یا عدم بینش به معنای سخن گفتن به گونه‌ای که کمترین آسیب را به منافع شخصی ما بزند و حفظ موقعیت و چهره خود نزد مردم. بگذریم از آن بازنگری (داریوش ارجمند را می گویم) که در همان لحظه نخست شروع فتنه بهانه بودن اتفاق روی داده و هدف بودن ثبات این مرز و بوم را یادآورد شد (که این مقدار بصیرت از یک شخصیت هنری بسی جای شگفتی و قدردانی داشت) اما انتظاری که از نخبگان دینی، اجتماعی، سیاسی و سلبریتی های مذهبی که طرفداران بسیاری دارند، می رفت، بیش از این ها بود.

استراتژی سکوت نمی تواند به مثابه راه حلی برای شرایطی باشد که شرایط جنگ و حمله دشمن به مرزهای وطن و عقیده است. در این میان اهل وطن خود با همان رویکرد همیشگی و حضور در حماسه ها و حماسه سرایی ها، روز جمعه و این چند روز به این قائله شوم پایان دادند اما سؤال اینجا است. اگر قرار است پیش قراولان جامعه در روز احتیاج سکوت کنند پس از عافیت طلبان چه انتظار؟ گاه قرار است همه اتفاقاتی که می تواند منتهی به تغییر زمامداری و کودتا شود و به واسطه اتاق های فکر پیچیده طراحی و اجرا می شود فقط در طول یک شبانه روز روی دهد و سکوت در این لحظات می تواند مرگبار و غیرقابل جبران باشد و هر لحظه این سکوت می تواند توانی صدها ساله داشته باشد. حوادث مشروطه، کوتای ۲۸ مرداد، قراردادهای ننگین استعماری و جدایی بخش هایی از ایران و بسیاری موارد دیگر شاهدهی بر این مدعا است و در همه این موارد سکوت چاشنی چنین رویدادهایی بود.

استراتژی سکوت نمی تواند به مثابه راه حلی برای شرایطی باشد که شرایط جنگ و حمله دشمن به مرزهای وطن و عقیده است. آنچه در روزهای پیشین گذشت، حوادثی تلخ بود که درس های بسیار دارد. حوادثی که از اتفاقی در مقر پلیس آغاز شد و به صورت تدریجی تبدیل به موجی سهمگین از اعتراضات اجتماعی و آشوب و خشم شد و در نهایت زنجیره کاملی از عملیات های تروریستی و شهادت تعدادی از هم وطنان و نیروهای خدوم امنیتی را در پی داشت. اما آنچه حائز اهمیت است مروری اندیشه ورزانه به این حوادث و عبرت آموزی از آن است.

در این مجال هدفم آن نیست که تمام زوایای این حادثه را بازنمایی و بررسی کنم. اما در میان ابعاد مختلفی که این وقایع داشت آنچه مورد نظر نویسنده این سطور است، بازتاب این حوادث در میان طیف نخبگان، سیاسیون و عموم افرادی است که خود را وامدار و نگهبان این انقلاب و ارزش های آن می دانند. بی شک اتفاق ناگوار فوت مهسا امینی واقعیتی بود که همگان را متأثر کرد اما نه این اتفاق و نه هر اتفاق دیگری نمی تواند نافی سازوکارهای قانونی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر باشد بلکه این اتفاق، این مهم را گوش زد می کند که در تبدیل ارزش ها به قانون لازم است نهایت دقت صورت گیرد و شیوه ها و روش ها به گونه ای اصلاح و اجراء گردد که کمترین حواشی را برای حکمرانی و مردم ایجاد کند. اما از سوی دیگر ایجاد یک حاشیه نمی تواند مجوز تعطیلی آن سازوکار قانونی و نفی کامل آن گردد و لازم است با گفتگوهای نخبگانی و استفاده از نظرات گوناگون روش های نوینی برای توسعه و گسترش امر به معروف و نهی از منکر در زمینه های مختلف اتخاذ گردد.

این مهم در خصوص حجاب به مثابه یک پدیده اجتماعی که تأثیر چشم گیری بر اخلاق اجتماعی می گذارد نمود بیشتری دارد اما چنان که گفتم نیازمند روش هایی هستیم که بتواند بیشترین تأثیر و کمترین آسیب را داشته باشد. اما واقعیت آن است که نقطه شروع فتنه هر چه که باشد فقط یک نقطه شروع است مهم آن است که فتنه بعد از شروع تبدیل به آتشی می شود که جان و مال و ناموس اهل وطن را نشانه می گیرد و به سرعت رهبری اعتراض از دست دلسوزان و معترضان اهل فهم خارج شده و به دست دشمنان عنود مردم و نظام می افتد در این میان فرقی نمی کند که آن بهانه قیمت بنزین، حجاب یا انتخابات است؛ مهم آن است که دشمنان قسم خورده این مرز و بوم بهانه ای موجه برای حمله به مردم، نهادها و حکومت پیدا کرده اند. آنتی تز این پدیده روشنگری، مقاومت، ایستادگی و بصیرت با منطق واکنش سریع است. بنابراین استراتژی سکوت و عدم واکنشی صحیح در برابر فتنه به معنای آن است که در برابر حمله گسترده دشمن به مرزهای اجتماعی هیچ واکنشی نشان ندهیم. این سکوت ثمره ای جز ادامه یافتن فتنه و استفاده حداکثری دشمنان از فرصت پیش آمده را نخواهد داشت. ممکن است برخی ساکتان، روایت معروف امیرالمؤمنین علیه السلام را شاهدهی بر صحت عمل خود بیاورند که فرمودند:

پادشاه فصل‌ها پاییز



هوا خیلی سرد اما اصلا متوجه سرد بودن هوا نمیشم و همینطوری فقط قدم میزنم و خیابون های دانشگاه رو بالا و پایین میکنم... نگاه به زرد و نارنجی ها میکنم، یه نفس عمیق میکشم و به قول آقا جمشید تو رادیو چهارزی میگم پادشاه فصل‌ها پاییز! انقدر راه رفتم که انگار زمین به دور سرم میچرخه یک دفعه می ایستم و خیره میشم به برگ هایی که از درخت میوفتن پایین! خاطرات منم باهاشون دونه دونه ریخته میشن... حالم رو نمیدونم چطور! شاید مثل صبح شنبه، شاید هم مثل غروب جمعه. گیر کردم بین شنبه و یک شنبه های زندگی! احساساتم تراوش میکنه، سراغ شعر خوندن میرم. شعر حلقه‌ی اتصالیه بین من و دلتنگی هام و نجات دهنده من از انبوه اندوه.

پاییز من! عزیز غم‌انگیز برگریز / یک روز می‌رسم و تو را می‌بهارم

غرق این افکار میشم... با خودم میگم چقدر زود گذشت! شاید به سرعت برق و باد! ۴ سال پیش که انگار همین دیروز بود، دیروزی که برای اولین بار قدم گذاشتم تو دانشگاه... دلم تنگه برای ۴ سالی که میتونستم بهتر بگذرونم؛ اما اون طور که میخواستم نشد و دیگه بر نمیگرده! دلم تنگه برای شور و شوق و حس ناشناختگی روز های اول دانشگاه اما زمانی فهمیدم دانشگاه چیه که تموم شده بود و دیگه حس و حال قبل رو نداشتم! دلم تنگه برای زمانی که اگه کسی می پرسید دنیای دانشگاه چه رنگیه؟! میگفتم رنگ روشن، اما الان چی؟! الان میگم رنگ تیره!

دوباره سوالات روز های اول دانشگاه رو با خودم مرور میکنم... محیطی که فقط میدونستم بهش میگن دانشگاه، محل تعلیم و تعلم دانش، اما آیا واقعا دانشی یاد گرفتم؟! شاید تو این ۴ سال باید یه کار خاص انجام میدادم؛ اما نمیدونم چه کاری که انجام ندادم! اگه بخوام برگردم به ۴ سال پیش روزهام رو واقعا زندگی میکردم. سعی میکردم علاقه ها و دغدغه هام رو دنبال کنم. سعی می کردم یه تحولی ایجاد کنم که دانشگاهم مثل مدرسه یکنواخت نباشه. به خودم میام! خودم رو از مرداب گذشته میکشم بیرون و میبرم به سمت دریای آینده... درسته اونطوری که میخواستم نشد؛ اما هنوز نور امیدی تو آسمون شبام خودنمایی میکنه! من امید دارم که خزونم بهار میشه! درخت آرزو هام شکوفه میدهد!

من امید دارم!



که هدف آنها به راه انداختن موجی بر علیه کشور می‌باشد همراهی می‌کنند و به اصطلاح آتش بیار معرکه میشوند. تا چند ماه پیش زمانی که وارد فضای مجازی می‌شدیم هشتگ های اقتصادی جار و جنجال به پا کرده و میدان را به دست گرفته بودند، حال هشتگ های جدیدی بر اقتصاد چربیده و کفه ترازوی آنها سنگین تر شده است. این هشتگ ها با یک رشد قلاب گونه تک تک سنگر های فضای مجازی را اشغال میکنند. حتی آنلاین شاپ فروش شال و روسری هم هشتگ نه به حجاب میزند! به کجا چنین شتابان؟! از رسانه های لندن نشین و نون به نرخ روز خورهای عربستانی تا کاخ نشین های سعادت آباد به طور خستگی ناپذیر هشتگ میزنند بدون اطلاع از صحت آن و باز نشر گسترده آن با هشتگ های نان و آب دار برای بالا بردن فالور. نداشتن سواد رسانه وجه مشترک تمامی این افراد است. دست روی احساسات مخاطب گذاشتن بدون ادله منطقی ویژگی دیگر این دست از سلبریتی ها و فعالین مجازی است که اگر فضای مجازی را از آنها بگیرند تمامی هویت پوچ و مجازی شان زیر سوال می‌رود.

✍️ نیوشا علیخانی

مغز های کوچک هشتگ زده

سواد رسانه‌های روح مجازی امروزی است!

«سواد رسانه» مهارت شناخت و تفکیک اطلاعات است که بر این اساس می‌توان تولیدات و اخبار رسانه‌ای را شناسایی و بر اساس چارچوب عقلی و منطقی خود پذیرفت و تحلیل کرد. به زبان ساده سواد رسانه یک رژیم غذایی مراقبتی است که در این سفره رنگارنگ مجازی چه چیزی مفید است و چه چیزی مضر. قدرت تحلیل ماهیت اخبار و اطلاعات در فضای مجازی به مهارت سواد رسانه‌ای ما برمیگردد. هر چقدر مهارت های سواد رسانه‌ای خود را افزایش دهیم همانقدر میتوانیم در ترافیک انبوه اطلاعات امروز، راه میانبر را یاد گرفته که در جزر و مد این فضای سهمگین غرق نشویم. مهارت های سواد رسانه ای به مخاطب می‌آموزد که علاوه بر شناسایی و تحلیل اطلاعات از صرف مخاطب منفعل خارج شوند و به فعال رسانه‌ای تبدیل شوند. با هجوم اطلاعات و فوران محتوا در فضای مجازی، می‌طلبید بیش از پیش با عینک بدبینی به اخبار پیش رو نگاه کنیم. مخاطب که در فضای مجازی حضور فعال و نقش اثرگذاری بر روی افراد زیادی دارد به طور حتم باید مهارت های سواد رسانه‌ای را آموخته باشد. در حوادث مختلفی که در کشور اتفاق می‌افتد «سلبریتی» ها بدون اینکه اصل قضیه را بدانند بر اساس عدله و اطلاعات ناقص خود، با هم سویی با رسانه های معاند

بانوی نور

✍️ ریحانه سعیدی

برترین بیان کننده این خطبه است. ای ماه تابان آسمان ولایت بانوی نور و برکت الهی، کلمه ولایت با تو وسعت گرفت چراکه در زمان پدردت محمد(ص) ولایت الهی‌ات را داشتی و بعد از او تابع پدردت ولایت‌مداری را که آموختی به بهترین نحو به جا آوردی. ای اسوه خدایی! ای عشق کبریایی! من فریاد سبز تو را، که از پشت دیوار قرن‌ها هنوز به گوش می‌رسد شنیدم. من در جغرافیای خانه گلی تو، درست‌ترین حقایق را دیده‌ام. من در نگاهت قیام طوفانی در برابر ظلم را دیدم. کلمات امید بخش و خیر خواهانه‌ات همچون مرهمی بر روی دلها بوده هنگامی که پا به تک تک خانه‌ها گذاشتی آنجا را با نور وجودت روشن ساختی و اهل خانه را به بیعت کردن دعوت کردی ولسی امان از طمع های زودگذر و تاریکی شیطان صفتان که چشم‌ها را از حقانیت ولایت بستند. اگر تو نبودی نه آهنگ کاروان هستی بود نه قافله وجود به حرکت می‌افتاد. واژه های آتش، در، سیلی، چادر، پهلوی، کلماتی که برای شیعه بوی درد می‌دهند. بوی رنج می‌دهند، از وادی اندوه و غم می‌آیند. این واژه‌ها رنگ تاریکی دارند رنگ مظلومیت، جلوه‌ی ظلم دارند. دود بود و شعله‌ی آتش و صدای فریاد (یا ابدا) صدای حضرت فاطمه که چنگ بر جان عرشیان می‌انداخت؛ اما گوش‌های کر و چشم‌های نابینا نشنیدند و ندیدند و غلاف شمیر هایشان را نشانه گرفتند. پهلویش را شکستند و کشتند مادر و محسن را. ای بانوی بی مزار گویند مادر نباشد خانه و اهل خانه بهم می‌ریزد. حسن در بقیع، حسین در کربلا، زینب در دمشق. ببخش مرا اگر صورتم سیلی نخورده است، پلک سالم دارم و پهلوی بی درد ولسی اگر بهر تو گریان نشوند چشمانم کور شوند بهتر است.

السلام علیک یا ابنتها الصدیقه الشهیده

میخواهم بنویسم، بنویسم به بلندای قامتت، به زیبایی نگاهت، برای مادرم، برای مادر سادات، برای ام ایبه‌ها. خواستم بگویم فاطمه دختر خدیجه بزرگ است، دیدم فاطمه نیست. / خواستم بگویم که فاطمه دختر محمد(ص) است، دیدم که فاطمه نیست. / خواستم بگویم که فاطمه همسر علی است، دیدم که فاطمه نیست. / خواستم بگویم که فاطمه مادر حسین است، دیدم که فاطمه نیست. / خواستم بگویم که فاطمه مادر زینب است، باز دیدم که فاطمه نیست.

نه، این‌ها همه هست و این همه فاطمه نیست. فاطمه فاطمه است. زیبا ترین تعبیر برای شناختت، همین چند جمله دکتر شریعتی در کتاب فاطمه فاطمه است؛ چرا که جز این نه می‌شود از تو سخن گفت و نه می‌شود تو را نوشت. چرا که قلم در ابهام شناختت درمانده است. کوثر خدا، زهرای مرتضی به راستی که نور جهان، تشعشعی از وجود توست. تکرار فاطمه در تاریخ نشدنی است؛ چراکه ولایت مدافعی چون فاطمه دارد و بس (روحی لروحک الفداء)

ولایت فقط محبت و دوستی و عشق را به اهل بیت (ع) و توسل به آن‌ها نیست. منظور از ولایت تشکیل حکومت است. یعنی علاوه بر نماز، زکات، حج و روزه، باید حکومت اسلامی را پذیرفت و حکومت پیامبر(ص) و ائمه (ع) و جانشینان آن را بپذیریم. ریحانه نبی را نمی‌توان با شعر یا نوشته توصیف کرد. او را باید حس کرد. هنگامی که رفتار فاطمه پسند و دلت مملو از محبت بانوی دو عالم شد، قبر او را در دل مصفای خود پیدا خواهی کرد. هنگامی که رفتار فاطمه پسند و دلت مملو از محبت بانوی دو عالم شد، قبر او را در دل مصفای خود پیدا خواهی کرد. به راستی که خطبه فدکیه زیباترین تفسیر از ولایت و حضرت زهرا

پیشنهادهایی به نودانشجویان

صحبت هایی از یک دانشجوی باران دیده

علیرضا فخاری نیا



۱۵. هیچ وقت به حرف یک سال بالایی به تنهایی اعتماد نکنید و حتماً حرفش را چک کنید ممکن است سرکارتان گذاشته باشد. بهترین راه چک کردن، سؤال از کارمندان و مسئولان دانشگاه است؛ البته همیشه این مورد درست نیست و ممکن هست واقعا حرف آن دانشجو ترم بالایی درست باشد.

۱۶. یکی از نویسندگان بزرگ می گوید: هیچ وقت کتاب های خود را به دیگران امانت ندهید؛ زیرا تمام کتاب های کتابخانه شخصی من، کتاب هایی است که از دیگران امانت گرفته ام. شما هم این توصیه را در خوابگاه جدی بگیرید.

۱۷. توصیه بالا را درباره جزوه هایتان نیز جدی بگیرید؛ زیرا کتاب را می توان دوباره خرید؛ اما جزوه را هرگز برای این کار می توانید جزوه های خود را به گونه ای بنویسید که فقط خودتان بتوانید آنها را بخوانید. اگر هم مجبور شدید که جزوه یا کتابی را به کسی بدهید، حتماً کارت غذا خوری وی را در ازای آن دریافت کنید؛ چون کارت های دیگر هیچ اعتباری ندارد.

۱۸. اهمیت کسب یک مهارت مفید و به درد بخور در دنیای امروز، بیشتر از تحصیل نباشد، کمتر از آن نیست. مهارت هایی مانند مهارت زبان (عربی، انگلیسی و ...) و مهارت نرم افزار های کاربردی می تواند شما را در امر تحصیل جلو انداخته و حتی در آینده شغلی شما نیز مؤثر واقع شود.

۱۹. مهمترین سرمایه دانشگاه، سرمایه نیروی انسانی (اساتید و دانشجویان) هستند. اساتید دلسوزی که از وقت گذاشتن برای دانشجو امتناعی ندارند. دانشجویان با اخلاق و متعهدی که علی رغم مشغله های فراوان خودشان، حاضر هستند وقتشان رو در اختیار دوستانشان (حتی دانشجویان کوچکتر از خودشان) قرار بدهند. آنها را دریابید و از آنان به خوبی بهره ببرید.

۲۰. کتابخانه دانشگاه را فراموش نکنید. یکی از بهترین زمان های استفاده از ظرفیت آن، فاصله بین کلاس هاست. در این مواقع در کتابخانه گشت بزنید و کتب مختلفی که توجه شما را جلب می کند، بردارید و ورق بزنید. این کار برکات زیادی دارد؛ از جمله اینکه با حوزه های مختلف آشنا می شوید و علایق خودتان را نیز پیدا خواهید کرد. توصیه ها و تجارب بیشتری نیز وجود دارند، که اگر عمری باشد در شماره بعدی نشریه به آن ها اشاره خواهیم کرد.

زمانی که ما وارد دانشگاه شدیم، چند تا از برو بچه های سال بالایی موقع ثبت نام دور و برمان می پیچیدند و توضیح واضحات می دادند؛ مثلاً محل امضا را نشانمان می دادند محل مدیریت خوابگاه را و ... هر ساله ورود دانش آموزان دیروز که حالا در زمرة دانشجویان قرار گرفته اند به فضای دانشگاهی با برگزاری مراسم ویژه ای همراه می باشد؛ مراسمی که شاید اصلی ترین هدف آن، آشنایی دانشجویان با محیط جدید تحصیلی و رفع نگرانی آنها و خانواده هایشان بوده است. بر همین اساس چند نکته ای که در ادامه متن به آن اشاره می کنیم را به عنوان تحفه ای از ما داشته باشید.

۱. تمام نمرات، با شماره دانشجویی اعلام می شود؛ از همین جا در حراست از این شماره کوشا باشید.

۲. در موقع خرید تنقلات و سایر خوراکی ها، حتماً آن را درون یک پلاستیک بگذارید و گرنه هرگز به اتاق نخواهد رسید.

۳. این را بدانید که معدل نهایی شما، معدل ترم اول است. و این حرف، با تجربه به اثبات رسیده است و سعی نکنید خودتان تجربه کنید؛ پس خوب درس بخوانید؛ البته لزوماً خوب درس خواندن، به معنای زیاد درس خواندن نیست.

۴. سعی کنید یک آشنا (همشهری، هم استانی و...) پیدا کنید تا در موقعیت های مختلف به شما کمک کند و یا هر وقت دلتان برای شهرتان تنگ شد، شما را از دل تنگی در آورد.

۵. در انتخاب دوست و هم اتاقی هایتان دقت کنید! نخست موعظه پیر صحبت این حرف است، که از مصاحب ناجنس دوری کنید.

۶. به گپ زدن عادت نکنید؛ مسلماً تنها کسی که ضرر می کند، خودتان هستید. این مورد را سر امتحان، به طور مشهودی درک خواهید کرد.

۷. در جنگ برتری رشته ها شرکت نکنید؛ زیرا هر کسی را بهر کاری ساخته اند. هر چند همه رشته ها، سروته یک کرباسند؛ اما بدانید رشته شما بهترین رشته است.

۸. مواظب باشید موقعی که در اتاق آرزوها هستید، در باتلاق مشروطی نیفتید. این توصیه را واقعا جدی بگیرید؛ مخصوصاً دانشجویانی که خوابگاهی هستند چون محیط خوابگاه، شما را به درس خواندن و سرگرمی های مختلف با دانشجویان و دوستان شما سوق می دهد و همین مسأله سبب می شود که نتوانید درس هایی که در ترم خود اخذ نموده اید را با موفقیت پشت سر بگذارید.

۹. برای حل مسائل خود به یک ماشین حساب مهندسی نیاز دارید؛ (این توصیه صرفاً برای دانشجویان رشته های فنی و مهندسی می باشد که کم و بیش با این ابزار مهم سر و کار دارند)

۱۰. نوشتن جزوه و نوت برداری از حرف های استاد، برای قبولی در درس های شما خیلی تعیین کننده است و هیچ جزوه ای مثل جزوه خود نوشته آدم برای شب امتحان مفید نیست؛ این مورد را بعداً متوجه خواهید شد؛ پس سعی کنید در تمام کلاس ها شرکت کنید و اصلاً غیبت نکنید.

۱۱. اگر تعداد واحد ثبت نام شده شما به نظرتان کم است، نگران نباشید؛ زیرا برای جبران آن، زمان زیادی وجود دارد و فعلاً نیاز به حذف و اضافه ندارید و با همین واحدها سر کنید.

۱۲. از همین اول کار، خوب درس بخوانید؛ اما اگر اوضاع خیلی وخیم شد، در پایان ترم، چیزی به نام حذف تک درس وجود دارد که خیلی به کار می آید.

۱۳. لزوماً یک هم اتاقی خوب، یک دوست خوب هم نیست. سعی کنید مسائل و مشکلاتتان را با تفاهم و گذشت از یک دیگر حل کنید و در کارها از هم سبقت بگیرید.

۱۴. اگر سر کلاس مطلبی را نفهمیدید و نتوانستید از استاد بپرسید، حتماً آن را با همکلاسی های خود مطرح کنید و اگر کسی بلد نبود، از خود استاد بپرسید. سؤال های خود را ماکول به شب امتحان نکنید؛ چون در زمان امتحان نه استاد به این راحتی ها پیدا می شود و نه همکلاسی هایتان وقت دارند.

گفتگویی از اعماق وجود

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید قاسم سلیمانی



عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن است کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران. عزیز من از بی‌جاقرباری و رسوای ماندگی، سر به بیابان‌ها گذارده‌ام؛ من به‌امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم، حبیب، به کرم‌ت دل بسته‌ام، تو خود می‌دانی دوستت دارم. خوب می‌دانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن. خدایا وحشت همه وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن. مرا به حرمت کسانی که حرمتشان را بر خودت واجب کرده‌ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آنها را خدشه‌دار می‌کند، مرا به قافله‌ای که به‌سویت آمدند، متصل کن. معبود من، عشق من و معشوق من، دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آن‌چنان که شایسته تو باشم.

ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی‌همتا! دستم خالی است و کوله‌پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به‌امید ضیافت عفو و کرم تو می‌آیم. من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟!

سازق، چارقم پر است از امید به تو و فضل و کرم تو؛ همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در چنگ ظالم.

خداوند! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به‌سمت تو است. وقتی آنها را به‌سمت بلند کردم، وقتی آنها را برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ اینها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی. خداوند! پاهایم سست است، رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از من نازکتر است و از شمشیر برنده‌تر؛ اما یک امیدی به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم. من با این پاها در حرمت پا گذارده‌ام دور خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیاءت در بین‌الحرمین حسین و عباس‌ت آنها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حرمت آن حریم‌ها، آنها را ببخشی. خداوند! سر من، عقل من، لب من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارح در همین امید به‌سر می‌برند؛ یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر، پاکیزه بپذیر؛ آن‌چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله! خدایا! از کاروان دوستانم جامانده‌ام خداوند، ای عزیز! من سال‌ها است از کاروانی به‌جا مانده‌ام و پیوسته کسانی را به‌سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جا مانده‌ام، اما تو خود می‌دانی هرگز نتوانستم آنها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند.

کاهش اضطراب امتحان با افزایش مهارت مرور کردن

خلاصه شماره ۲۵ نشریه «پیام مشاور»

شما کمی استرس لازم دارید اگر ابتدا سرانگ موارد آسان بروید، دچار حالت بدون استرس میشوید یا استرس گهگاهی را تجربه میکنید و این مسئله به شما اطمینان خاطر میدهد که وقت کافی دارید و امکان دارد نتوانید از وقت خود نهایت استفاده را ببرید به بیان دیگر به جای «ساعت پر کردن» برنامه ریزی کنید.

ساعات مشخصی را در طول روز به مرور اختصاص دهید.

اگر ساعات مشخصی را برای مرور تعیین کنید و آنها را به دیگران اطلاع دهید، میتوانید اطمینان حاصل کنید که در این ساعات کسی مزاحم شما نمیشود. همچنین در صورت تکرار این کار در ساعات همیشگی ذهن شما با این برنامه هماهنگ شده و در این ساعات آماده مرور و یادگیری میشود. به بیان دیگر با این کار میتوانید ساعت بیولوژیک مغز خود را تربیت کنید.

سعی کنید در هر روز بیش از دو موضوع را مرور نکنید.

فکر نکنید باید همه موضوعات را در یک روز مرور کنید. علاوه بر سرحال، ماندن بازگشت به مطالب برای تمام کردن مروری که روز قبل شروع کرده‌اید، باعث تجدید اطلاعاتتان از دیروز میشود و در نتیجه امید می‌رود که موارد یاد گرفته شده بیشتر در ذهنتان بمانند.

شاید برای شما هم پیش آمده باشد مطلبی را که یک ماه پیش خوانده‌اید، فراموش کرده باشید یکی از راههای غلبه بر مشکل فراموش کردن مطالب مرور کردن است ایجاد انگیزه برای شروع مرور کردن بسیار دشوار است. بیشتر افراد از مرور کردن اجتناب میکنند و دانشجویان تا جایی که امکان دارد آن را به تأخیر می‌اندازند. چنین عملی منجر به بروز احساس گناه، ترس و اندوه میشود؛ وقت کافی ندارم. کاش مرورم رو زودتر شروع کرده بودم. تنها راه حل این مشکل برنامه ریزی و مدیریت دقیق است. کافی است یکبار این کار را تجربه کنید و تأثیرات شگفت‌انگیز آن را ببینید. به این ترتیب احساس میکنید که بر همه چیز کنترل دارید. مرور کردن در صورتی امکان پذیر میشود که جزوات و منابع لازم را در اختیار داشته باشید. درواقع، قبل از اینکه بخواهید برای مرور کردن برنامه ریزی کنید باید مطمئن شوید که همه منابع لازم را در اختیار دارید. اگر جزوات شما ناقص است، آنها را گم کرده‌اید یا در خواندن آنها مشکل دارید (مثلاً به سبب بدخطی یا نامرتب بودن) باید از دیگران کمک بخواهید و از جزوات آنها کپی بگیرید. برای مفیدتر بودن مرور مطالب باید نکاتی را در نظر گرفت.

از قبل برنامه ریزی کنید.

قبل از اینکه شروع به کار کنید ابتدا درباره کارهایی که باید تا زمان شروع امتحانات انجام دهید تصمیم بگیرید معمولاً بهتر است ابتدا روی مواردی که در آنها ضعف دارید، کار کنید آنها را از سر راه بردارید و در خود اعتماد به نفس ایجاد کنید. درست کردن جدول زمانبندی راه بسیار مفیدی است، چراکه وقت شما با ارزش است، پس از آن به خوبی استفاده کنید.

مطالبه گری، یک واجب دانشجویی

✍️ شیرین مهدیان



پرخاش جواب میدهد؛ حتی اگر مسئولی کوتاهی کرده، شرط عقل آن است که درخواست مربوطه در بستری درست و منطقی مطالبه شود. پرخاش و بی ادبی تنها مطالبه را از مسیر اصلی خارج کرده بلکه مسیر پیگیری دیگران را هم ناهموار می کند.

۳. مخرج مشترک

گاهی مطالبه گری در جغرافیای کوچکی مثل دانشگاه انجام می شود و گاهی در سطح ملی یا بین المللی لذا باید از ابتدای مطالبه گری بارها مسیر مدنظر برای طرح مطالبات و درخواست های مربوطه توسط دانشجوی بررسی شود تا مبدا از مسیر صحیح خود خارج شود و با دشمنان و سو استفاده کنندگان مخرج مشترک پیدا نکند. یکی از آفات مطالبه گری که گاه رخ میدهد، نفوذ افراد سود جو و اندیشه آن ها به بستر مطالبه گری صحیح و به حاشیه راندن مطالبه حقیقی است. بعنوان مثال با خسارت زدن به اموال عمومی یا خصوصی دیگران نباید انتظار مطالبه گری صحیح را داشت. پس همیشه باید مراقب جریان سودجویی که قصد سو استفاده از مطالبات جریان دانشجویی را دارد باشیم و در زمین آن ها بازی نکنیم. یکی از راه های این مشکل، مشورت با اساتید و متخصصان در حوزه مورد مطالبه و توجیه دانشجویان مطالبه گر است. در تاریخ جنبش دانشجویی افتخارات زیادی در حوزه مطالبه گری رقم خورده است؛ از داستان FATF گرفته تا هفت تپه و امثال آن. مطالباتی که به ثمر رسیده و آینده کشور را دگرگون کرده است. مطالبه گری یک واجب دانشجویی است، واجبی که اگر فراموش شود جامعه دچار انحراف و آسیب می شود. فرقی نمی کند این مطالبه در سطح دانشگاه باشد یا شهر یا کشور و یا جهان. این حق من و تو است. حقی که به گردن ماست و اگرچه در بحث مطالبه گری یک دست هم صدا دارد اما « ید الله مع الجماعه » پس مطالبات خود را با ما در میان بگذارید تا باهم برای تحقق آن ها گام برداریم.

راه ارتباطی ما با شما: @sku_jad

جریان دانشجویی ویژگی هایی دارد که با آن ها شناخته و تعریف می شود چون: علم اندوزی، عدالت خواهی، آزادی، حق طلبی و از همه مهمتر آرمانخواهی و مطالبه گری. این مشخصات چون خونی تازه به کالبد جامعه جان می دهد و در مواقع حساس کشور را هدایت و یاری می کند.

از این حیث توجه و پرداختن به هر یک و تبیین اهمیت آن همواره جزو وظایف قشر دانشجو است؛ همچون پرچمی که نسل به نسل منتقل می شوند و به دست وارثان جریان دانشجویی می رسد. در اینجا قصد دارم به موضوع مطالبه گری بپردازم. مطالبه گری، واژه ای است که این روزها بیش از پیش به ضرورت آن پی می بریم. یک واجب دانشجویی که در پس فضای پاندمی کرونا و آموزش مجازی کمی به حاشیه رانده شده است و این روزها مانند قاب عکسی قدیمی در طاقچه افتخارات جریان دانشجویی خاک می خورد. اما سوال اصلی اینجاست: مطالبه گری چیست؟

در لغت مطالبه گری به معنای «طلب کردن و خواستن چیزی یا حقی از کسی» آورده شده است. یعنی در امر مطالبه گری ما با حق، آرمان، وعده یا وظیفه ای مواجه هستیم که فراموش شده و در اینجاست که برای پیگیری تحقق آن، مطالبه گری وارد میدان می شود. اما مانند هر کاری، مطالبه گری هم قواعد خاص خود را دارد. قواعدی که رعایت آن ها در تحقق مطالبات تاثیر بسیاری دارد.

۱. قانون بازی

یکی از قواعد جغرافیای مطالبه گری آشنایی به اصل موضوع مورد مطالبه، قوانین ناظر به آن و روند پیگیری آن از مسئولین مربوطه است. اهمیت این قاعده به حدی است که گاهی عدم آگاهی از آن مطالبات به حق را به حاشیه رانده است و مضاف بر آن وقتی قانون قاعده زمین بازی را ندانیم، نمی دانیم مطالبه ما در مسیر صحیحی عملی خواهد شد یا نه. بعنوان مثال وقتی دانشجو درمورد غذای سلف دانشگاه اعتراض دارد اما قوانین اداره تغذیه را نداند نمی تواند مطالبه صحیحی داشته باشد زیرا از حدود حقوق خود و وظایف مسئول مربوطه اطلاعی ندارد.

۲. مجرای صحیح

همیشه مسیر مستقیم نزدیکترین راه است؛ پس یکبار برای همیشه راه درست مطالبه گری را یاد بگیریم: اول مسئولان مربوطه و وظایف آن ها را بشناسیم. بعنوان مثال برای مشکل حمل و نقل درون دانشگاهی سراغ معاونت آموزشی نمی رویم. دوم از تجربیات ترم بالایی ها استفاده کنید چون معمولاً در طی دوران تحصیل خود چندین بار مسیر مشابهی را پیموده و تجربیات خوبی دارند. سوم همیشه ادب و منطق بهتر از توهین و



مروری بر فعالیت های اخیر تشکل جامعه اسلامی

جهت کسب اخبار به روز تر تشکل میتواند مارا در پیام رسان های اینستاگرام، تلگرام و ایتا به نشانی [@Jad_sku](https://t.me/Jad_sku) دنبال کنید



حلقه های مطالعاتی

حول کتاب «رشد»
ویژه اعضای شورا و اعضای فعال



نشست مطالبه گری

با حضور دکتر راستینه (نماینده مجلس)
و مسئولین دانشگاه



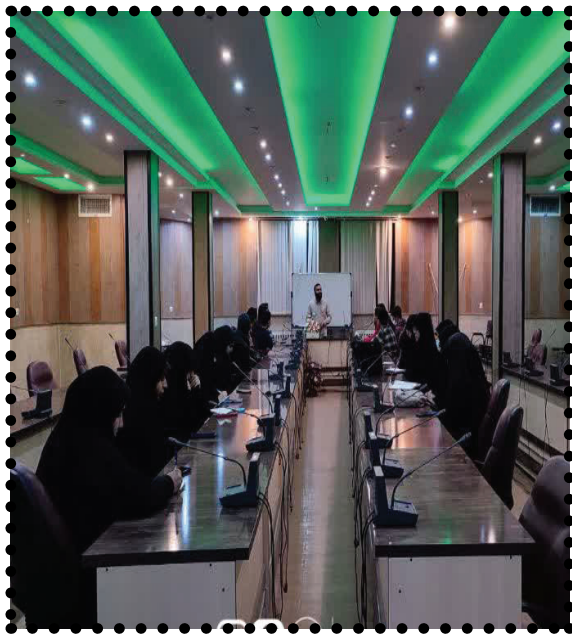
غرفه کتاب

در جشن بلدا



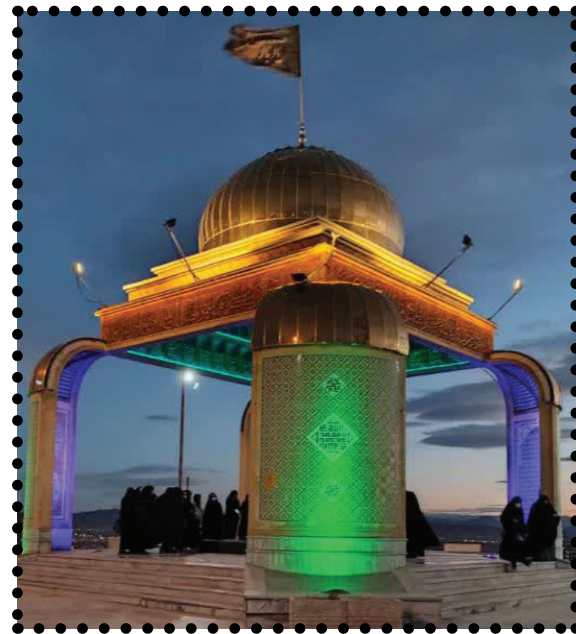
اردوی آموزشی-تفریحی

با حضور دکتر مولوی
دکتر صمیمی
و حجت الاسلام مالک حسنی



جلسه تبیینی ویژه روز دانشجو

با حضور مهندس کریمی
(معاون ستاد اجرایی فرمان امام استان)



اردوی درون شهری تپه نورالشهدا

ویژه خواهران

